

Research Article

The Thought of the Right to the City; A Conceptual and Fundamental Transformation in Urban Struggles to Realize a Good Urban Life Case Study: Comparative Analysis of the Five Regions of Urmia City

Bakhshi Germe, Morteza

PhD Student, Department of Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

Saket Hasanlouei, Meysam (Corresponding Author)

M.A., Department of Urban Planning., Urmia University, Urmia, Iran.

E-Mail: meysamsakethasanlouei@gmail.com

Ghanbari, Atefe

M.A., Department of Urban Planning., Urmia University, Urmia, Iran.

Heidarifononi, Maryam

PhD Student, Department of Urban Planning, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran.

Abstract

Today, the concept of "right to the city" is a reaction to the accelerated process of unbalanced urban development and less thought-out plans of urban planning in order to realize and achieve a livable, dynamic and sustainable city. Making the platform of urban life more citizen-oriented, urban justice, justice-oriented urban planning and urban democracy are the basic issues of urban planning today, which the right to the city approach realizes them through the application of socio-spatial changes in the city. The current research with a practical-developmental purpose and a descriptive-analytical nature tries to evaluate the degree of realization of the indicators of the right to the city in each of the five regions of Urmia city by adopting a humanitarian background. The methods used in data collection and analysis are the use of indexing and library methods, field identification and interviews (targeted sample size) and the use of copras and shannon entropy techniques in quantitative analysis. The results of the analysis indicate that regions 2 and 4 of Urmia have the highest and lowest levels of compatibility and desirability, respectively. Finally, in order to achieve suitable conditions in the field of urban planning, coherent and purposeful proposals have been presented.

Keywords: Right to the City, Justice-centered, Urban regions, Urban Planning, Urmia.

<p>Citation: Bakhshi Germe, M.; Saket Hasanlouei, M.; Ghanbari, A.; Heidarifononi, M. (2023), The Thought of the Right to the City; A Conceptual and Fundamental Transformation in Urban Struggles to Realize a Good Urban Life Case Study: Comparative Analysis of the Five Regions of Urmia City, Journal of Geography and Environmental Studies, 12 (47), 130-151. Dor: 20.1001.1.20087845.1402.12.47.8.4</p>

<p>Copyrights:</p>

<p>Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Geography and Environmental Studies. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.</p>
--



مقاله پژوهشی

اندیشه حق به شهر؛ تحولی مفهومی و بنیادین در مبارزات شهری برای زندگی خوب شهری مطالعه موردی: تحلیل تطبیقی مناطق پنج گانه شهر ارومیه

مرتضی بخشی گرمی

دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

میثم ساکت حسنلوئی

کارشناس ارشد، گروه برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

عاطفه قنبری

کارشناس ارشد، گروه برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

مریم حیدری فنونی

دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران.

چکیده

امروزه مفهوم «حق به شهر» واکنشی به روند پرشتاب توسعه شهری نامتعادل و طرح‌های کمتر اندیشیده شده برنامه‌ریزی شهری جهت تحقق-پذیری و دستیابی به شهری قابل زیست، پویا و پایدار می‌باشد. شهروندمدارتر کردن بستر زندگی شهری، عدالت شهری، شهرسازی عدالت-محور و دموکراسی شهری مسائل اساسی برنامه‌ریزی شهری امروزی بوده که رویکرد حق به شهر از طریق اعمال تغییرات اجتماعی-فضائی شهر به تحقق آن‌ها می‌پردازد. پژوهش حاضر با هدفی کاربردی-توسعه‌ای و ماهیتی توصیفی-تحلیلی سعی دارد تا با اتخاذ پیش‌زمینه‌ای انسان‌مدارانه، به ارزیابی میزان تحقق شاخص‌های حق به شهر در هر یک از مناطق پنج گانه شهر ارومیه بپردازد. شیوه‌های مورد استفاده در گردآوری و تحلیل اطلاعات، بهره‌گیری از روش‌های سندگزینی و کتابخانه‌ای، شناسایی میدانی و مصاحبه (حجم نمونه هدفمند) و استفاده از تکنیک‌های آنتروپی شانون و کوپراس در تحلیل کمی می‌باشد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل حاکی از آن است که مناطق ۲ و ۴ شهر ارومیه به ترتیب بیشترین و کمترین سطح سازگاری و مطلوبیت را به خود اختصاص داده‌اند. در نهایت جهت دستیابی به شرایطی مناسب در حوزه برنامه‌ریزی شهری، به ارائه پیشنهادهای منسجم و هدفمند پرداخته شده است.

کلمات کلیدی: حق به شهر، عدالت‌محور، مناطق شهری، برنامه‌ریزی شهری، ارومیه.

تاریخ ارسال: ۱۴۰۱/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۸

نویسنده مسئول: میثم ساکت حسنلوئی، کارشناس ارشد، گروه برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. meysamsakethasanlouei@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

مسائل و مشکلات زندگی امروز جوامع شهری، محصول زندگی شهری است و بسیاری از نیازهای اجتماعی به مسائل و مشکلات زندگی شهید دامن می‌زنند و این نیازها با توجه به شدت رشد و توسعه نواحی شهری در نوسان است. شهرنشینی فرآیندی است که در آن تغییراتی در سازمان اجتماعی سکونتگاه‌های انسانی به وجود می‌آید که حاصل افزایش، تمرکز و تراکم جمعیت می‌باشد. از نظر سازمانی، در شهرنشینی دگرگونی‌هایی در ساخت اجتماعی، اقتصادی و کارکردهای جمعیتی ظاهر می‌گردد. این جریان تغییراتی را در ساخت فضای داخلی شهرها به وجود می‌آورد. مطالعه و بررسی تاریخ شهرنشینی در کشورهای مختلف دنیا، یکی از ابزارهای مفیدی است که می‌تواند ما را با روند تغییر و تحولات این پدیده در حوزه‌های مختلف جغرافیایی آشنا نماید. بررسی جمعیت شهرنشین کشور ایران نیز حکایت از آن دارد که در طی هفت دوره سرشماری اخیر به شدت افزایش یافته است، به طوری که در سرشماری سال ۱۳۹۵، میزان جمعیت شهرنشین ایران به رقم ۷۴ درصد رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). اجتماع و فضا دو مولفه بسیار مهمی هستند که به یکدیگر وابسته هستند. برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای شهری بدون در نظر گرفتن مرادوات و بسترهای اجتماعی عملاً غیرممکن است. در واقع فضاهای شهری عرصه‌ای همه‌شمول جهت برقراری تعاملات اجتماعی و بروز مفهوم دموکراسی شهری می‌باشد (محمدی و چنگلوايي، ۱۳۹۲: ۱۶). اندیشه حق به شهر^۱ در درون جنبش‌های اعتراضی و مقاومتی شهروندان زاده شد. در سال ۱۹۶۸ شهروندان برخی از شهرهای جهان همچون نیویورک، پراگ، برلین، لندن، رم، پاریس، برکلی و ورشو خواستار ایجاد تغییرات و تحولات عمیقی در حوزه مرادوات اجتماعی خود شدند. مفهوم حق به شهر که برای اولین بار در سال ۱۹۶۸ توسط هنری لوفور^۲ جامعه‌شناس فرانسوی (۱۹۰۱ م. - ۱۹۹۱ م.) مطرح شد، پارادایمی نظری و عملی است که از پتانسیل لازم جهت ارزیابی رادیکال سیاست‌های شهری برخوردار است. این مفهوم چارچوبی برای بحث در مورد حقوق و مسئولیت‌های مدنی را فراهم می‌آورد. نظریه‌پردازان متعددی از سطح جهان در این حوزه اظهار نظر کرده‌اند، که می‌توان به دون میشل^۳، آنالی کریستیانسن^۴، مارک پورسل^۵ و دیوید هاروی^۶ اشاره نمود. پس هدف نهایی از تئوری شهری انتقادی نیز، به اجرا درآوردن مطالبه حق به شهر است (Brenner et al, 2012). حق به شهر ابزار لازم برای ایجاد تغییرات شهری و خلق شهری است که تمامی ساکنانش، شهروند و نه شهرنند^۷ محسوب می‌شوند (رفعیان و الوندی‌پور، ۱۳۹۵: ۲۷-۲۶). لوفور شهر را به مثابه "اثر هنری" یا "Oeuvre" می‌پندارد که محصول نقش‌آفرینی تمامی ساکنان و استفاده‌کنندگان شهر در یک فرآیند تاریخی و اجتماعی می‌باشد (Lefebvre, 1968: 67). به عقیده وی تحقق‌پذیری حق شهری منوط به "بازگشت به فضاهای شهری گذشته نیست"، بلکه در گرو شکل‌گیری حق تجدید یافته به زندگی شهری است. ذی‌نفعان حق شهری تمامی کسانی هستند که در شهر سکنی گزیده‌اند. لذا حق شهری خود را فراتر از تمامی حقوق آشکار می‌نماید (Lefebvre, 1996: 158-173). لوفور حق شهری را حق به زندگی شهری می‌داند که امروزه اسیر دولت و سرمایه شده است. فضا در خدمت دولت و سرمایه موجب جایگزینی ارزش کاربری فضا با ارزش مبادله‌ای آن و در نتیجه بیگانگی فضا برای بهره‌وران می‌گردد. به منظور مقابله با این بیگانگی می‌بایست کنترل بر نحوه کاربری زمین و پراکنش خدمات در اختیار ساکنان شهر و با هدف بهره‌وری آنان صورت پذیرد. خودگردانی فضایی به معنای تکاپوی ساکنان شهر برای کنترل، مدیریت و تولید فضای شهری متناسب با نیازهای خود می‌باشد (Purcell & Tyman, 2015).

1. Right to the City
2. Henri Lefebvre
3. Don Mitchell
4. Annali Kristiansen
5. Mark Purcell
6. David Harvey

۷. اصطلاح شهرنند برای اشاره به ساکنان شهرهایی به کار می‌رود که هنوز به سطح شهروندی نرسیده‌اند (اطهاری، ۱۳۹۳).

لوفور حق به شهر را "درخواست برای دسترسی تحول یافته به زندگی شهری" می‌داند (Kofman & Lebas, 1996: 158). در بیانی کلی حق به شهر، یک حق بشری است که شامل تعلق یافتن شهر به شهروندان و مشارکت آنان در امور شهری است. قرار گرفتن این حق در چارچوب حقوق بشر به جای حقوق مدنی به این معنا است که هر انسانی صرف نظر از جنس، سن، نژاد و ویژگی‌های اجتماعی-فرهنگی، تنها به دلیل انسان بودن شایسته بهره‌مندی از این حق است. "عدالت" در لغت به معنی قرارداد هر چیزی در جای خود است. در تعریف کاربردی اصطلاح عدالت، کوین لینچ^۱ چنین اظهار می‌نماید: عدالت روشی است که از طریق آن هر نوع سود و زیان بین افراد توزیع می‌گردد. از آغاز قرن بیست و یکم موضوع عدالت در نزد متفکرین جریان اصلی حوزه برنامه‌ریزی بسیار داغ و پرشور در جریان بوده است (Fainstein, 2003, 2010; Campbelli, 2006; Sandercock, 2006). برای درک مفهوم عدالت و عدالت شهری، عدالت را "توزیع متناسب عملکردها و خدمات، دسترسی مناسب به مراکز خدمات‌دهی و فعالیتی، بدون تبعیض و تفاوت‌گذاری بین ساکنین یک شهر و منطقه" تعریف می‌کنند (سعیدنیا، ۱۳۸۲). رویکرد حق به شهر با اندیشه عدالت شهری رابطه تنگاتنگی دارد. مفهوم حق به شهر در نهایت به دنباله مطالبه عدالت است. می‌توان جایگاه برنامه‌ریزی شهری را در جهت نیل به عدالت اجتماعی در چهار مرحله عنوان کرد: ۱- انصاف در تسهیم و تقسیم منافع شهری؛ ۲- تأمین امکانات برای همه اجتماعات شهری؛ ۳- تأمین دسترسی کافی به خدمات و تسهیلات آموزشی، بهداشتی، تفریحی و فرهنگی برای همه ساکنان شهر؛ و ۴- تأمین اشتغال و مسکن به طور منصفانه برای افراد و ساکنان بخش‌های گوناگون شهر (بمانیان و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۴۳). بنابراین معیارهای اصلی شهر عدالت‌محور عبارتند از: برابری^۲، مردم‌سالاری^۳ و تنوع^۴ (Fainstein, 2010: 171-175). درک انسان از مفهوم عدالت نیازی به تعریف و تعمق بیشتر ندارد. علاوه بر این، چون که مصادیق اندیشه عدالت اجتماعی به صورت ذاتی و فطری برای انسان‌ها آشنا و قابل تفهیم بوده است، تشریح این مفهوم از سوی اندیشمندان متعدد در جوامع مختلف شباهت زیادی به هم دارند. رویکرد حق به شهر به عنوان یکی از تلاش‌های مهم جهت رویارویی با نابرابری‌ها، در بیشتر مطالعات صورت گرفته در سطح ایران از جانب دیدگاه‌های دیوید هاروی مورد تبیین و تفسیر قرار گرفته است، لذا ضروری است اندیشه‌های هنری لوفور نیز به عنوان پایه‌گذار مفهوم حق به شهر مورد موشکافی و تحلیل بیشتری قرار گیرد که در این پژوهش به این اهم پرداخته شده است. آنچه در این پژوهش به عنوان انگیزه اصلی مورد بحث قرار گرفته است، کنکاش در اندیشه نوین حق به شهر و بهره‌مندی از راهبردهای آن در فرآیندهای برنامه‌ریزی و طراحی شهری و تأکید بر جنبه‌های انسانی و اجتماعی برنامه‌ریزی شهری می‌باشد که می‌تواند آینده‌ای روشن در مسیر عدالت اجتماعی برای جوامع شهری را ترسیم نماید. امروزه مفهوم شهروندمداری و دموکراسی به عنوان مولفه‌ای اثرگذار در حوزه طراحی و توسعه فضاهای شهری، اصلاح نظام مدیریت شهری در کشور، ارتقای کیفیت زندگی شهروندان، نابودی تبعیض و انحصارطلبی و برقراری مفهوم عدالت اجتماعی در سطح جامعه، توزیع متعادل خدمات، امکانات و تسهیلات شهری، کاهش هزینه‌های بالای روانی و اقتصادی شهروندان جامعه، افزایش رفاه و آسایش شهروندان، درگیری فعال مردم در امور مربوط به برنامه‌ریزی برای جوامع (افزایش عمل و کنش شهروندان) و تقویت آگاهی و شناخت شهروندان از حقوق و مسئولیت‌های شهروندی، راهبردهای مهمی است که بیش از پیش مورد توجه و تأکید اندیشمندان و متخصصین حوزه شهری قرار گرفته است. پس افزایش مشارکت مردمی در فرآیند مدیریت شهری، حضور اجتماع شهری در تمامی مقیاس‌های تصمیم‌گیری از ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و...، ارج نهادن به وجدان و ارزش وجودی شهروندان، رعایت همه‌شمولی و احترام متقابل بین شهر و شهروند، نابودی انحصارطلبی، تمامیت‌خواهی، تمرکزگرایی و جانب‌داری در بهره‌مندی از

1. Kevin Andrew Lynch
2. Equity
3. Democracy
4. Diversity

فضاهای عمومی شهری، اعطای حقوق گوناگون اجتماعی، مدنی، اقتصادی و... به شهروندان و در بیان کلی، افزایش دموکراسی مشارکتی و مشورتی بخشی از سیاست‌های مهمی است که با ایفای نقش در برنامه‌ریزی شهری عدالت‌محور، سعی در تحقق‌پذیری مفهوم حق به شهر در باهمستان‌های شهری را دارند. لذا، پرداختن به موضوع پیرامون حقوق شهری و شهروندی در جوامع شهری ایران ضرورتی تام دارد که این تحقیق در تلاش است با تشریح مفاهیم حق به شهر و برنامه‌ریزی شهری عادلانه، اهمیت آن را در شکل دهی به زندگی روزمره شهروندان در اندیشه همگان روشن نماید. در بیان کلی، اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر از دو جنبه قابل بحث می‌باشد. از جنبه اول، ارزش و اهمیت مبانی تئوریک پژوهش حاضر که حوزه تخصصی شهر عدالت‌محور و رویکرد نوین حق به شهر چارچوب اصلی آن را تشکیل می‌دهد، شایان توجه است. و از جنبه دیگر، بررسی سطح توسعه‌یافتگی و نحوه توزیع عملکردها و فعالیت‌های شهری در هر یک از مناطق شهری و در بیان کلی، ارزیابی و تحلیل وضعیت مناطق شهر ارومیه (اطلاق‌پذیری در بسترهای اجتماعی و سیاسی) بر اساس شاخص‌های رویکرد حق به شهر و شهر عدالت‌محور می‌باشد. در نهایت سعی بر آن است تا با ارائه پیشنهاداتی در راستای بهبود وضع موجود و تحقق‌پذیری اهداف مورد مطالعه، زمینه‌های رشد و توسعه عادلانه و پایدار سکونتگاه‌های شهری فراهم گردد.

در پژوهش حاضر هر یک از مناطق پنج‌گانه شهر ارومیه به عنوان بستر مطالعاتی، جهت ارزیابی شاخص‌های حق به شهر با هدف دستیابی به شهری عدالت‌محور مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته است. در این راستا پژوهش حاضر هدف‌های کلی زیر را دنبال می‌نماید:

- بازشناسی مفهوم "شهر عدالت‌محور" در فرآیند برنامه‌ریزی شهری و ارائه تصویری روشن از اندیشه "حق به شهر" در مسیر شهرسازی امروزی؛

- تأویل پیوند میان مفاهیم برنامه‌ریزی شهری شهروندمدار، شهر عدالت‌محور و تئوری حق به شهر

- ارزیابی میزان توسعه‌یافتگی مناطق شهر ارومیه و تعیین سطح مطلوبیت آن‌ها از لحاظ برخورداری از تسهیلات و عملکردهای متنوع شهری جهت تدوین سیاست‌ها و راهبردهایی هدفمند و منسجم با هدف تحقق‌پذیری رویکرد حق به شهر.

جهت دستیابی به اهداف در نظر گرفته شده، این پژوهش در تلاش است که به پرسش‌های زیر پاسخ گوید:

- چه ارتباطی بین تئوری حق به شهر و مفهوم شهر عدالت‌محور وجود دارد؟

- کدام یک از مناطق شهر ارومیه با تحقق مفاهیم رویکرد حق به شهر می‌تواند پاسخگوی چالش‌های نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در برقراری عدالت اجتماعی باشد؟

مبانی نظری، پیشینه و ادبیات پژوهش

موضوع حق به شهر در طی چند سال اخیر در کانون توجه اندیشمندان و صاحب‌نظران حوزه تخصصی شهری قرار گرفته که ضرورت و اهمیت اساسی مسئله حاضر را در جوامع شهری نمایان می‌سازد. به طور کلی پژوهش‌های مرتبط با رویکرد حق به شهر در کشورهای غربی بیشتر مورد واکاوی قرار گرفته است، ولی در کشور ایران با وجود ارزش و اهمیت مسئله، کمتر به تحلیل این مقوله پرداخته شده است. به علاوه، بهره‌گیری از یک ترکیب و چارچوب نظری منسجم، روش‌شناسی تلفیقی هدفمند، ارزیابی پیوند میان رویکرد حق به شهر و برنامه‌ریزی شهری عدالت‌محور و تأکید بر نظریات و اندیشه‌های هنری لوفور از خصوصیات مهم این پژوهش به حساب می‌آید که در متن حاضر بدان اشاره گردیده است. در این بخش به بیان تعدادی از مطالعات محدود صورت گرفته پیرامون موضوع پژوهش پرداخته می‌شود.

جدول (۱): پیشینه داخلی و خارجی مرتبط با پژوهش

ردیف	سطح	پژوهشگر و سال	عنوان پژوهش	توضیحات
۱		معروفی و وحیدی برجی ۱۳۹۴	"فضا و تحقق پذیری حق شهری: شناسایی مولفه‌های فضایی برآمده از حق شهری به منظور تحلیل و ارزیابی پروژه نواب در تهران و لادفانس در پاریس"	در این پژوهش پس از بررسی اندیشه‌های لوفور و با استفاده از روش مقایسه-ای و ارزیابی به شناسایی ارتباط بین معماری، طراحی و برنامه‌ریزی شهری، به عبارتی هرگونه فعالیت کنترل فضایی با مفهوم حق شهری پرداخته و دو پروژه یاد شده را بر اساس شاخص‌های فضایی حق شهری مورد تحلیل قرار داده‌اند. نتایج حاصل از مقایسه پروژه‌ها بیانگر این است که (۱) حق شهری می‌تواند به عنوان معیاری برای ارزیابی پروژه‌های شهری قرار گیرد و (۲) مداخلات کالبدی به دلیل تغییر در شیوه زندگی و حقوق اجتماعی افراد و گروه‌ها تأثیری مستقیم بر حق شهری دارند.
۲		حبیبی و امیری ۱۳۹۴	"حق به شهر؛ شهر موجود و شهر مطلوب آنچه هست و آنچه باید باشد"	در این مطالعه به خواستگاه فلسفی مفهوم حق به شهر از دیدگاه واضع آن، هنری لوفور اشاره گردیده و اظهارات آن را مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده-اند. یافته‌ها نشان می‌دهد رویکرد برنامه‌ریزی شهری در ایران جهت‌رهایی از زوال و بیگانگی در زندگی روزمره خود باید راهی دگرگونه بیافریند. راهی که به بهترین نحو از میان اندیشه چگونگی محقق کردن رویکرد حق به شهر می‌گذرد.
۳	شهر	شارع‌پور ۱۳۹۴	"حق به شهر و فضاهای عمومی شهری"	در این مطالعه با استفاده از چارچوب نظری مفهوم حق به شهر تلاش می‌کند نشان دهد که فرآیندهای زندگی روزمره در شهرها به دلیل بهره‌مند شدن انسان‌ها از حقوق خود و تضعیف فضاهای عمومی دچار اختلال شده است. طبق نتایج برآمده از تحقیق، بر اساس ماهیت چندبعدی چالش‌های پیش روی شهرها، مدیریت خردمندانه فضاهای عمومی شهری مستلزم توجه به چهار بعد به هم مرتبط است: (۱) تنظیم کاربری‌ها و مدیریت تعارض بین نحوه استفاده-های مختلف از فضاهای عمومی (۲) تعریف و اجرای نحوه حفظ و نگهداری این فضاها (۳) سرمایه‌گذاری در فضاهای عمومی و (۴) هماهنگ‌سازی مداخلات بخش‌های مختلف در فضاهای عمومی.
۴		رفعیان و الوندی‌پور ۱۳۹۵	"مفهوم‌پردازی اندیشه حق به شهر؛ در جستجوی مدلی مفهومی"	در این پژوهش با استفاده از روش‌شناسی کیفی و بهره‌مندی از روش توصیفی-تحلیلی در گردآوری اطلاعات و سند‌گزینی، به بازشناخت و تحلیل مفهوم حق به شهر پرداخته‌اند. نتایج حاصل حاکی از آن است که مفهوم حق به شهر، شامل تعلق-یافتن شهر به شهروندان و مشارکت آنان در امور شهری است. از این‌رو مهمترین مقولات پیش روی این مفهوم در خلق فضای شهری با کیفیت شامل حکمرانی شهری؛ شمول اجتماعی؛ تنوع فرهنگی در شهر و آزادی‌های اجتماعی و حق دسترسی به خدمات شهری برای تمامی ساکنان شهر است.
۵		حیدری و زارعی ۱۳۹۸	"مفهوم حق به شهر و ارتباط آن با طراحی شهری شهروندمدار؛ تطبیق هنجارهای جامع بیان‌گر شهروندمداری، با شاخصه‌های کیفی طراحی شهری"	سعی دارند تا با استفاده از روش مقایسه‌ای و تحلیل محتوا و با کنکاش در مفهوم حق به شهر، ارتباطی معنادار بین نظریه و عمل در طراحی شهری فراهم نمایند تا از نقش پررنگ مفاهیم اجتماعی در کنار کیفیت‌های محیطی، برای توسعه کیفیت فضاهای شهری عمومی استفاده گردد. نتایج اذعان می‌دارد که با بهره‌گیری از شاخصه‌های کیفی طراحی شهری شهروندمدار در اقدامات شهری، می‌توان فضاهای شهری و فرآیند طراحی شهری را شهروندمدارتر کرده و ارتباطی معنادار میان نظریه و عمل برقرار نمود.

		<p>دیوید هاروی (ترجمه خسرو کلانتری و پرویز صداقت) ۱۳۹۹</p>	<p>«از حق به شهر تا شهرهای شورشی»</p>	<p>شهر سنتی را توسعه‌ی حاکم سرمایه‌دارانه به قتل رسانده است؛ این شهر قربانی نیاز پایان‌ناپذیر برای مسئله‌ی اضافه‌انباشت سرمایه برای رشد بی‌پایان و بی‌قاعده‌ی شهری می‌شود، صرف‌نظر از پی‌آمدهای اجتماعی، زیست‌محیطی و سیاسی آن. ادعای حق به شهر در حقیقت ادعای چیزی است که دیگر وجود ندارد (اگر حقیقتاً زمانی وجود داشته). به علاوه، حق به شهر یک دال تهی است. همه‌چیز منوط به آن است که چه مدلولی در آن قرار داده شود؛ فعالان بخش مالی و ساخت‌وسازکنندگان می‌توانند مدعی آن شوند، و تردیدی نیست که حق‌شان است. اما بی‌خانمان‌ها و مهاجران نیز می‌توانند حق خود را طلب کنند. ما به‌ناگزیر در برابر این پرسش قرار می‌گیریم که حقوق چه کسانی را باید به رسمیت بشناسیم. در عین حال، چنان‌که مارکس در سرمایه بر آن تأکید می‌کند، "سرنوشت حقوق برابر را قدرت رقم می‌زند"؛ تعریف حق خود موضوع مبارزه است و این مبارزه باید هم‌زمان با مبارزه برای تبلور مادی آن پیش برود.</p>
<p>۷</p>	<p>اندی مری- فیلد و دیوید هاروی ترجمه خسرو کلانتری ۱۳۹۱</p>	<p>«حق به شهر ریشه‌های شهری بحرانهای مالی»</p>	<p>در نظام سرمایه‌داری مسکن بیش از هر چیز شکل کالا به خود می‌گیرد و تولید آن نه برای رفع نیازهای فردی و اجتماعی مردم که به منظور ایجاد ارزش اضافی و سودآوری انجام می‌شود. ملاحظات اقتصادی از مهم‌ترین عوامل در طرح و توسعه‌ی شهری است. این که یک ناحیه‌ی مسکونی شهر تخلیه و بافت سنتی آن ویران شود، اجتماع ساکنان آن متلاشی گردد و شهروندان به حاشیه‌ی شهر رانده شوند تنها مسائلی جانبی خواهند بود، اگر تأسیسات جایگزین باعث افزایش قیمت زمین یا سودآوری بیشتری برای سرمایه باشد. ساخت و توسعه‌ی شهری هم‌چنین تابع ملاحظات سیاسی حکومت است. حکومت عمدتاً نماینده‌ی طبقه‌ی معینی است، و با آن که گرایش‌ها یا قشرهای مختلف آن، گاه از لحاظ نحوه‌ی اعمال حاکمیت تفاوت‌هایی دارند ولی از لحاظ ضرورت اصل حاکمیت بر مردم مشابه‌اند. یعنی در این اصل که شهر باید به گونه‌ای ساخته شود که سلطه‌ی آن‌ها تأمین شود. یعنی این امر که مردم به چه سهولتی بتوانند یا نتوانند با هم ارتباط پیدا کنند، این امر که امکان گسترش حرکات مردمی چگونه باشد، تبدیل می‌شود به یک امر مهم و مرکزی و ابزار مؤثر سیاسی در دست حاکمیت سرمایه‌داری.</p>	
<p>وجه تمایز اصلی مطالعه حاضر در بندهای زیر خلاصه می‌گردد. - تأکید بر مفاهیم و اصطلاحات حقوق شهروندی و عدالت شهری در راستای تحقق‌پذیری زندگی خوب شهری - لحاظ نمودن عملکردها و فعالیت‌های مختلف شهری در ابعاد مختلف توسعه‌ای اعم از اقتصادی، کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و... در فرآیند بررسی و ارزیابی محیطی - تأکید بر تحلیل تطبیقی سکونتگاه‌های شهری در راستای ایجاد و ارتقای حس رقابت در میان مناطق شهری در راستای دستیابی به کیفیت زندگی مطلوب‌تر و رفاه زندگی مقبول - بهره‌مندی از روش‌های تجزیه و تحلیل نوین و کارآمد</p>				

مفهوم حق شهروندی

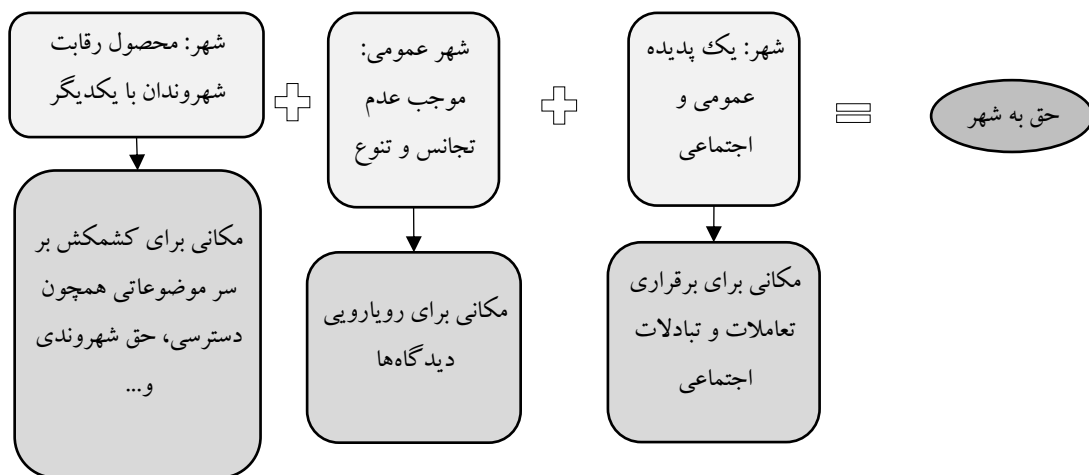
شهروند^۱ به افرادی اطلاق می‌گردد که در تابعیت یک کشوری مشخص قرار داشته و به تبع این اصل، از حقوق و مزایایی خاص که در قانون اساسی و سایر قوانین آن کشور به تصویب رسیده، بهره‌مند می‌گردد. شهروندی به عنوان شاخصی کلیدی در نشان دادن تحقق دموکراسی در یک جامعه مدرن به حساب می‌آید. "اصطلاح حقوق شهروندی" برای اولین بار در اعلامیه حقوق بشر و شهروندی سال ۱۷۸۹ م فرانسه مطرح گردید که پس از تصویب نیز در صدر قانون اساسی سپتامبر ۱۷۹۱ م قرار گرفت. شهروند از دیدگاه شهرسازی به کسی اطلاق می‌گردد که در داخل محدوده شهر زندگی می‌کند و در قبال آن هزینه پرداخت می‌کند. لذا در این بین حق و وظیفه‌ای نیز هم برای شهروند و هم مدیریت شهر متصور است. امور شهری باید عرصه‌ای برای شکل‌گیری فضاهای عمومی تولید کنند و از تعاملات اجتماعی و گردهمایی‌های مدنی حمایت نمایند. شهروند در گفتار لوفور، واژه‌ای است که تمامی ساکنان شهر^۲ را دربرمی‌گیرد و دو حق را برای آن در نظر می‌گیرد: حق مشارکت^۳ در امور شهری و حق تملک فضا^۴. حق مشارکت برای ساکنان شهری این فرصت را فراهم می‌آورد تا در تصمیماتی که منجر به تولید فضای شهری می‌شوند، دخیل باشند. حق تملک یا تخصیص فضا نیز شامل حق دسترسی، تصرف و استفاده از فضا و تولید فضای جدید منطبق با نیازهای مردم است (Kofman & Lebas, 1996: 23).

مفهوم نظری رویکرد حق به شهر؛ هنری لوفور

مفهوم "حق به شهر" یکی از شناخته شده‌ترین مفاهیم مطرح در حوزه شهری می‌باشد که در سال ۱۹۶۸ م با انتشار کتابی در همین عنوان توسط هنری لوفور وارد مباحث علمی و اجتماعی دنیا شده است. لوفور با طرح مفهوم حق به شهر رویکردی نو و رادیکال نسبت به شهر مطرح نمود و ساختارهای اجتماعی و سیاسی قرن بیستم را به چالش کشید (Mitchell, 2003: 19). این مفهوم تنها با دگرگونی و بازسازی حق زندگی شهری قابل تعریف است (Lefebvre, 1996: 158). به بیان وی، جوامع شهری امروزی بیشتر منعکس‌کننده روابط سرمایه‌داری و نظام قدرت هستند و فضاهای شهری اساساً به خاطر ارزش‌های مبادله‌ای‌شان اهمیت می‌یابند (Lefebvre, 2009: 157). لوفور حق به شهر را کاملاً متفاوت، به عنوان یک فریاد و مبارزه‌ای رادیکال برای حرکت فراتر از دولت و سرمایه‌داری بیان کرده است (Purcell, 2013: 141). این انگاره پاسخ قدرتمندی است برای تمامی شهرها به‌ویژه شهرهایی که شهروندان آن‌ها به صورت متفاوت (محرومیت و کنار گذاشتن گروه‌هایی از مردم از حق به صلح، امنیت و همبستگی) از تعارض شدید رنج می‌برند (Safier, 2006: 31). در واقع این مفهوم به یک صورت‌بندی اصلی خواست‌های پیش‌رو برای تغییر اجتماعی در تمام جهان تبدیل گردیده است (سعیدی رضوانی، ۱۳۹۱: ۹۰).

1. Citizen
2. Urban Inhabitants
3. Participation
4. Appropriation

شکل (۱): مفهوم حق به شهر از منظر هانری لوفور



مأخذ: Mitchel, 2003

انگاره حق به شهر به طور عام درصدد پس گرفتن نظارت و مراقبت از شهر و استفاده از منافع شهری شدن سرمایه است (حبیبی و امیری، ۱۳۹۴: ۹). این دیدگاه معنایی فراتر از تقسیم عادلانه شهر موجود یا حق برابر نسبت به آن دارد. حق به شهر خلق یک شهر متفاوت است. در نقل قول دیوید هاروی از رابرت پارک، حق به شهر خلق شهر دلخواه است. فراخوان برای پیاده‌سازی حق به شهر، چشم‌انداز جهانی بهتر را به شعاری سیاسی، مفید و عملی تبدیل می‌کند. این رویکرد، همان چشم‌اندازی است که قصد داشته به فراتر از بازتوزیع منابع موجود رفته و حق تحقق ارزش‌های دیگر را که به زندگی انسان ارزش زندگی کردن می‌بخشند، مطالبه کند (یغفوری و کاشفی دوست، ۱۳۹۷: ۵۹). در بیان کلی، مؤلفه‌های اصلی حق به شهر عبارتند از: مشارکت شهروندان در فرآیند برنامه ریزی، تضمین دسترسی شهروندان به برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت شهری، هدایت متوازن و برابری طلبانه کاربری زمین برای دسترسی همگانی به مسکن، کار، بهداشت و آموزش، حمل‌ونقل عمومی و فضای عمومی، اوقات فراغت و زندگی طولانی، تضمین دسترسی شهروندان کم‌درآمد به مسکن مناسب و ساماندهی اسکان غیررسمی، استفاده‌ی مشترک شهروندان از فضاهای عمومی با اختصاص پهنه‌های ویژه برای امور اجتماعی در شهر (هاروی و مری فیلد، ۱۳۹۱: ۷۵).

منشور جهانی حق به شهر^۲

پیشنهاد اولیه "منشور حقوق بشر در شهرها" را یک سازمان غیردولتی برزیلی در ششمین کنفرانس حقوق بشر در برزیل (۲۰۰۱ م) مطرح کرد. این پیشنهاد تحت تأثیر "منشور حفاظت از حقوق بشر در شهرهای اروپایی"^۳ (۲۰۰۰ م) نیز بود که بیش از ۲۰۰ شهر اروپایی به آن پیوسته بودند، همچنین از "عهدنامه شهرها و روستاهای دموکراتیک، پایدار و برابر"^۴ (۱۹۹۲ م) الهام می‌گرفت. پیرو به رسمیت شناختن اساس‌نامه شهر^۵ سازمان‌های مردم‌نهاد و جنبش‌های اجتماعی به‌ویژه در برزیل و سایر کشورهای آمریکای لاتین، متن پیش‌نویس "منشور جهانی حق به شهر" را آماده کردند. این پیش‌نویس در سال ۲۰۰۴ م به بحث گذاشته شد و روی موضوعاتی مانند مشارکت مردمی در مدیریت شهری و بودجه‌ریزی، حاکمیت دموکراتیک شهری، به رسمیت شناختن و اقدام مؤثر در اقتصاد،

1. Andy Merrifield

2. 'World Charter on Right to the City'

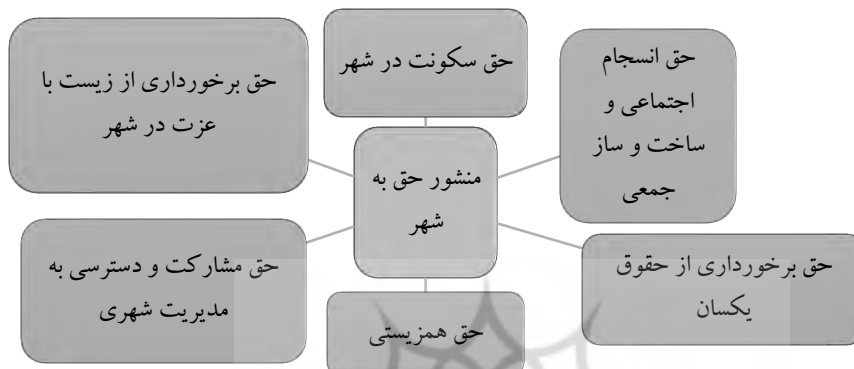
3. 'European Charter for the Safeguarding of Human Rights in the City' (Presented in Saint-Denis in May 200).

4. 'Treaty for Democratic, Equitable and Sustainable Cities, Towns' and Villages' (Approved in 1992, at the World Environment Summit in Rio de Janeiro).

5. City Status

حقوق اجتماعی-فرهنگی و زیست محیطی و تدوین الگوی اجتماعی عادلانه، فراگیر و پایدار برای توسعه شهر و اقتصادی فعال برای تقویت مشارکت شهری و کاهش فقر تمرکز کرد (حیبی و امیری، ۱۳۹۴: ۲۲-۲۳). این منشور نهایتاً در همین سال توسط UN-Habitat تدوین گردید و سعی داشت امکانات و منافع شعر را به گونه‌ای برابر برای همه ساکنان شهر فراهم نماید. در این منشور مفهوم اصلی حق به شهر این گونه مطرح گردیده است: "دسترسی برابر همگان به منافع شهر با توجه به دو اصل پایداری و عدالت اجتماعی." با تأکید بر این نکته که حق به شهر باید به عنوان حق جمعی تمام ساکنان شهر شناخته شود؛ بالاخص کسانی که آسیب پذیر هستند و نادیده انگاشته می‌شوند (منشور جهانی حق به شهر، ۲۰۰۴: ۱).

شکل (۲): حقوق مورد تأکید در منشور جهانی حق به شهر



مأخذ: مطالعات نگارندگان

عدالت شهری؛ شهر عدالت محور

یکی از مهمترین واژه‌ها در قاموس تمدن بشریت، عدالت به حساب می‌آید. این مفهوم از دیدگاه همه انسان‌ها یکی از مهم‌ترین و ضروری‌ترین امور در رأس زندگی‌شان و یکی از مؤلفه‌های اصلی رفاه اجتماعی می‌باشد. در مکتب اسلام، عدالت به عنوان یکی از مهمترین اصول به شمار آمده است، تا جایی که از اصول مذهب و از اصول دین محسوب شده است. مفهوم عدالت همواره موضوعی اساسی و مطرح در میان دانشمندان و متفکران حوزه علوم سیاسی و رفتاری بوده است. از دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی که تغییرات گسترده‌ای در حوزه مطالعات شهری به وقوع پیوست، و با اظهارات مطروحه هنری لوفور در ساختار اجتماعی شهر، اندیشمندان و صاحب‌نظران مطرح حوزه برنامه‌ریزی و جامعه‌شناسی شهری به ارائه نظر پیرامون دیدگاه عدالت شهری پرداختند. دو اثر "پرسش شهری" از مانوئل کاستلز^۱ (۱۹۷۲) و "شهر و عدالت اجتماعی" از دیوید هاروی^۲ (۱۹۷۳) بیشترین تأثیر را بر مطالعات پس از خود پیرامون مبحث عدالت به جا گذاشتند. از این رو، از دهه ۱۹۹۰ م انگاره عدالت شهری به طور صریح و جدی در میان مطالعات مربوط به حوزه شهری جا باز کرد. "عدل" نقشی بسیار حساس و حیاتی در ایجاد یک شهر مناسب زیست را دارد. عدالت را در کنار مفاهیم کارآمدی، کیفیت محیطی و سرزندگی به عنوان اصول اساسی برنامه‌ریزی شهری در نظر گرفته‌اند (سعیدنیا، ۱۳۸۲: ۵۴). به بیان جان رالز^۳، عدالت باید پایه و اساس هر نوع رابطه اجتماعی در جامعه قرار گیرد و همان نقشی را در نظام اجتماعی ایفا می‌کند که حقیقت در نظام فکری دارد (Rawls, 1971). وی همچنین در اثری دیگر بیان می‌کند که هدف عملی عدالت، مهیا نمودن بنیانی فلسفی و اخلاقی برای نهادهای دموکراتیک و پاسخ به سؤال چگونگی درک مطالبه آزادی و

1. 'The Urban Question' (Manuel Castells)

2. 'Social Justice and the City' (David Harvey)

3. John Rawls

برابری است (Rawls, 2001: 2). عدالت اجتماعی بر اساس مفهوم توزیع عادلانه از طریق عادلانه قرار دادن است (پوراحمد و حاتمی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۱۸۴). در گزارش برانت‌لند^۱ سه لایه مهم برای دستیابی به اهداف عدالت اجتماعی عنوان گردیده است: (۱) برابری و مساوات، (۲) حفاظت از محیط‌زیست و (۳) برنامه‌ریزی فضایی (سطح ملی و محلی). دیوید هاروی شش گزاره را برای هدایت برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری عادلانه استخراج نموده است که عبارتند از: (۱) عدم استثمار نیروی کار، (۲) نابودی همه اشکال به حاشیه راندن گروه‌های اجتماعی، (۳) دسترسی به قدرت سیاسی و ابراز وجود توسط گروه‌های ستم دیده، (۴) نابودی امپریالیسم فرهنگی، (۵) {برقراری} اشکال انسانی کنترل اجتماعی و (۶) کاهش اثرات نامطلوب بوم‌شناختی پروژه‌های اجتماعی (Harvey, 2002: 400-401). پس برنامه‌ریزی شهری مبتنی بر عدالت اجتماعی (دستیابی به آرمان فرصت‌های برابر) از ضرورت‌های اساسی جوامع امروزی محسوب می‌گردد تا زمینه تحقق شهری متوازن و عدالت‌محور برای همگان فراهم گردد.

جدول (۱): اندیشمندان مطرح حوزه تخصصی عدالت

منبع	تعاریف	ماهیت	نظریه پرداز	ردیف
(Miraftab, 2012)	ساختارزدایی فرضیه وحدت حقوق و عدالت / تأکید بر فرم‌های حقوقی جمعی مبتنی بر گروه‌های اجتماعی خوداتکا و خودانگیخته همچون نظریه حق به شهر / رد تأثیر حقوق فردی منتج از مکتب لیبرالیسم بر بروز عدالت / تأکید بر ارتباطات اجتماعی متکی بر یک حس این‌همانی مشترک / تأکید بر ریشه افراد در قشر، جنسیت و ارتباطات فرهنگی	عدالت اجتماعی	آیریس یانگ ^۲	۱
(Fainstein, 2014) (Rawls, 1971)	درخواست مطالبه برای برابری و انصاف / تخصیص منابع بر اساس اصل تفاوت	عدالت اجتماعی	جان رالز	۲
(Fainstein, 2014)	تأکید بر سه اصل تنوع، عقلانیت ارتباطی مبتنی بر دموکراسی مشارکتی و مشورتی و انصاف برای بروز عدالت شهری / تأکید بر توزیع برابر منابع / برنامه‌ریز و طراح به عنوان میانجی	عدالت شهری	سوزان فاینستاین ^۳	۳
(Griffin et al, 2015)	تأکید بر ده اصل انصاف، انتخاب، دسترسی، مالکیت، ارتباط، تنوع، مشارکت، مشمولیت، تعلق، زیبایی و نوآوری خلافاً به عنوان بهبودبخش عدالت شهری	عدالت شهری	تونی گریفین ^۴	۴

مأخذ: حیدری و زارعی، ۱۳۹۸: ۱۷

نظریه "شهر عدالت‌محور" عمدتاً توسط سوزان اس. فاینستاین پرورش یافته است. وی دستیابی به شهر عدالت‌محور را همواره به عنوان هدف مناسب شهرسازی فرض کرده است (Fainstein, 1997, 1999, 2000, 2009). مهمترین خصلت‌های یک شهر عدالت‌محور عبارتند از: اصل خدامحوری و حاکمیت خداوند (اصل حاکمیت قانون الهی)؛ اصل استقلال و تساوی مدنی (اصل حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش و برابری در برابر قانون)؛ برقراری عدالت، برابری و مساوات؛ تعریف و تنظیم روابط اجتماعی بر اساس هنجارها و الگوهای دینی؛ قاعده متعهد و مسئولیت افراد؛ آزادی (عقیده، بیان، مخالفان، اجتماع و آزادی انتقاد)؛ اصل - اخوه، برادری، گذشت، ایثار و حس همدردی؛ قانون؛ نظم؛ برقراری قاعده تعاون، همکاری و مشارکت همگانی؛ برپایی و حاکمیت

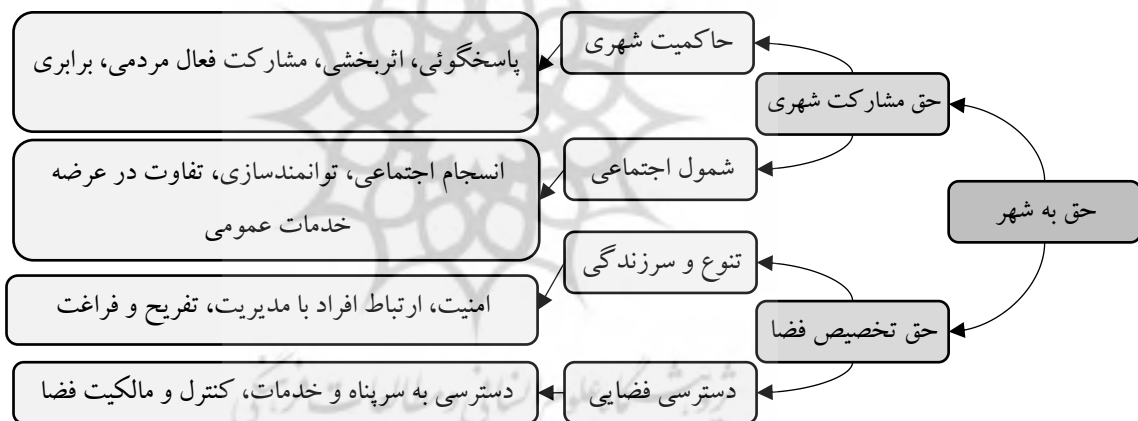
1. The Brandt Land Commission Report 1983
2. Iris Marion Young
3. Susan S. Fainstein
4. Tony Griffin

علائم و نشانه‌های دین؛ اصل متقابل بودن حقوق و احترام به حقوق یکدیگر؛ اعتماد و حسن نیت نسبت به یکدیگر؛ وفای به عهد؛ برقراری امنیت (جانی، مالی، شخصیتی و در حوزه خصوصی)؛ اصل مشاورت و شورایی بودن امور؛ توسعه اقتصادی و اجتماعی (بمانیان و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۴۳).

با توجه به چارچوب تعریف شناختی مبحث عدالت شهری و به‌مثابه آن شهر عدالت‌محور، به نظر می‌رسد که این انگاره با ابعاد مختلفی از عدالت اشتراک تنگاتنگی داشته است. در شهر عدالت‌محور، شهروندان ساختارهای متنوع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... را به طور منصفانه مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌دهند تا با شرایط بی‌عدالتی مواجه نگردند. به علاوه در این دیدگاه، شهروندان در امور شهری و زندگی خود مشارکت واقعی همراه با دخالتی فعال و درخور توجه را دارند، که این مهم تغییرات شهری منسجم و کنترل‌بخشی فضاهای عمومی شهری را به دنبال دارد. دیدگاه شهروندان عدالت‌محور از لحاظ برخورداری از واکنش و انتقاد به اوضاع ساختاری جامعه بسیار حائز اهمیت است و از این نکته‌نظر با دیگر انگاره‌های موجود تفاوت اساسی دارد. لذا رسالت برنامه‌ریزان و مسئولان شهری این است که با شناسایی دقیق مفاهیم و مباحث رویکرد حق به شهر و بازخوانی متن آن در شهر تأثیرات گسترده‌ای را در خواسته‌های مدنی و قانونی شهروندان به عمل آورند.

تدوین شاخص‌های پژوهش

شکل (۳): طبقه‌بندی شاخص‌های پژوهش



مأخذ: مطالعات نگارندگان

در این بخش با بهره‌گیری از نظرات و تجارب صاحب‌نظران حوزه تخصصی شهری، بررسی‌های محلی و با الهام از مبانی نظری و مطالعات پیشین پیرامون مبحث حق به شهر و شهر عدالت‌محور، به شناسایی و استخراج شاخص‌های مؤثر در تحقق‌پذیری هدف تعیین شده اقدام گردیده که در شکل زیر به هر یک از آن‌ها اشاره شده است.

معرفی محدوده مطالعاتی پژوهش

ارومیه مرکز استان آذربایجان غربی و دومین شهر پرجمعیت در منطقه شمال‌غرب کشور ایران به حساب می‌آید. این شهر بر پهنه‌ای با مساحت ۸۵۷۷ هکتار و جمعیتی برابر با ۷۳۶۲۲۴ نفر طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، در فاصله ۱۸ کیلومتری دریاچه ارومیه و در داخل جلگه‌ای به طول ۷۰ کیلومتر و عرض ۳۰ کیلومتر واقع گردیده است. سابقه تاریخی مهم شهر، قرارگیری در موقعیت خاص جغرافیایی با برتری استراتژیکی و ژئواکونومیکی برای هم‌پیوندی اقتصادی ملی با اقتصاد منطقه‌ای و جهانی، شرایط اقلیمی مناسب، شهری مجهز از زیرساخت‌های لازم، ایفای نقشی درخور توجه در کریدور شرقی-غربی و برخورداری از صنایع برجسته با تکنولوژی بالاتر، شهری برخوردار از حداکثر منافع اقتصادی در منابع طبیعی تجدیدپذیر و تجدیدنپذیر، وجود نیروی

انسانی توسعه یافته و خلاق با توانایی‌های منحصر به فرد، جامعه‌ای با هم‌گرایی قوی قومی و برخوردار از علائق و هویت محکم محلی و وجود شاخص‌های مطلوب اجتماعی و امنیتی، از خصوصیات و پتانسیل‌های مؤثری است که اهمیت شهر را در اندیشه همگان روشن می‌نماید. مناطق پنج‌گانه شهر ارومیه به عنوان مورد مطالعاتی پژوهش حاضر انتخاب گردیده که سعی بر این است با واکاوی سطح مطلوبیت هر یک از شاخص‌ها، وضعیت مناطق شهر بر اساس تحقق‌پذیری و میزان دستیابی به شهر عدالت محور تبیین گردد. در شکل ۵ به موقعیت محدوده مطالعاتی اشاره شده است.

جدول (۲): مشخصات جمعیت‌شناختی محدوده مطالعاتی تحقیق

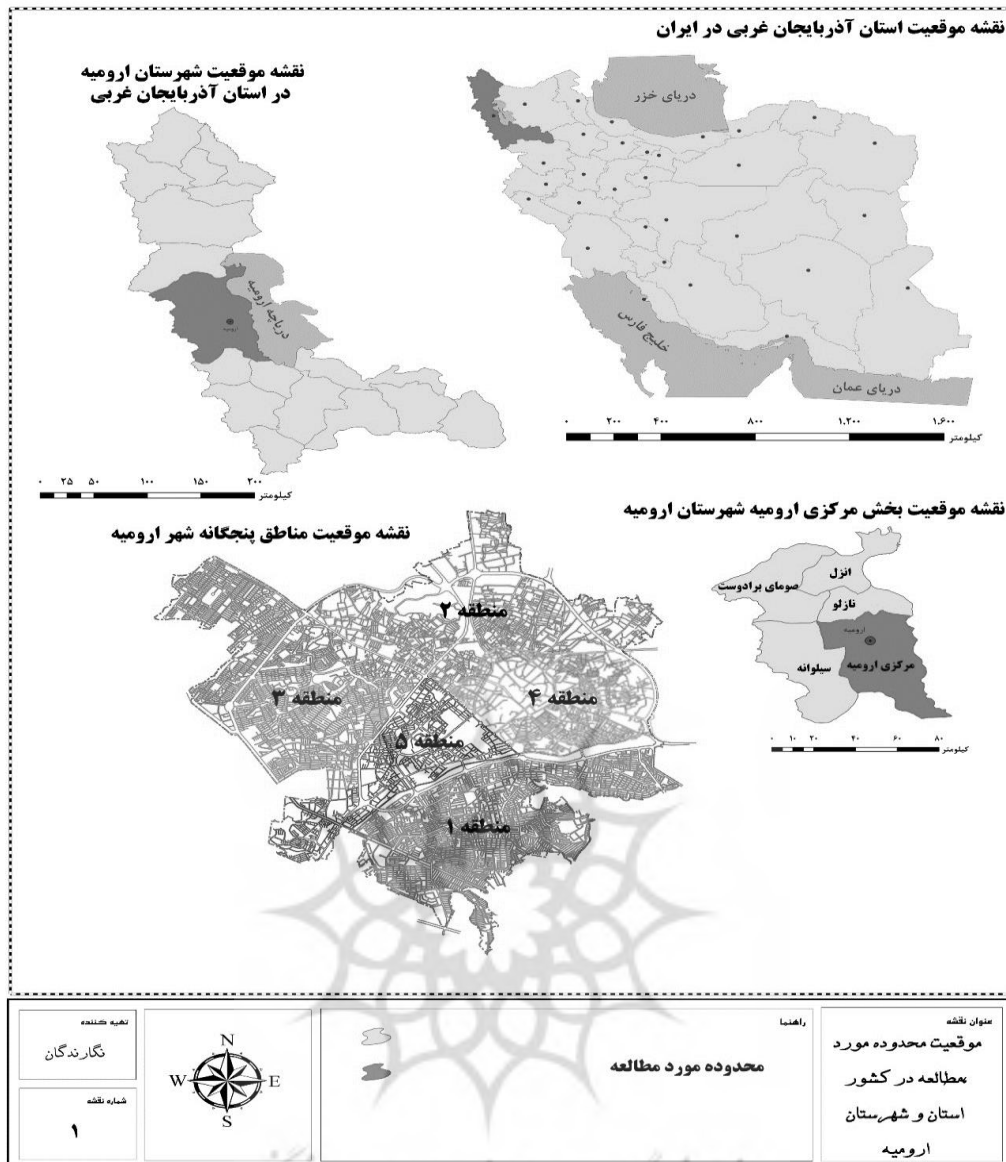
شرح	جمعیت (نفر)	تعداد خانوار	مساحت کل (هکتار)	اراضی خالص (هکتار)	اراضی ناخالص (هکتار)	تعداد محلات	تعداد ناحیه	تراکم جمعیتی	بعد خانوار
ارومیه	۷۳۶۲۲۴	۲۲۵۰۵۰	۱۱۲۳۷/۲	۶۲۰۶/۹	۵۰۳۰/۲	۷۰	۱۶	۶۵/۵	۳/۲۷
منطقه ۱	۱۷۹۴۰۰	۵۵۴۵۶	۲۰۶۱/۱	۱۴۳۶/۸	۶۲۴/۷	۱۶	۳	۸۴/۸	۳/۱۵
منطقه ۲	۲۰۷۴۵۳	۶۰۳۵۰	۴۷۵۹/۲	۱۶۶۰/۵	۳۰۹۸/۷	۱۹	۴	۴۳/۶	۳/۴۴
منطقه ۳	۱۶۴۷۵۳	۴۷۱۳۲	۲۱۵۶/۱	۱۳۰۹/۳	۸۴۶/۸	۱۳	۳	۷۶/۴	۳/۵
منطقه ۴	۱۳۰۲۶۲	۴۲۹۸۹	۱۲۱۸/۲	۱۰۴۲	۱۷۶/۱	۱۲	۴	۱۰۶/۹	۳/۰۳
منطقه ۵	۵۸۸۵۶	۱۹۱۲۳	۱۰۴۱/۹	۷۵۸/۲	۲۸۳/۷	۱۰	۲	۵۶/۵	۳/۰۸

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵؛ مهندسان مشاور طرح و آمایش، ۱۳۹۴

روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر با هدف کاربردی-توسعه‌ای و ماهیت توصیفی-تحلیلی، تلاش می‌گردد تا با بهره‌گیری از اسناد و مطالعات کتابخانه‌ای و تحقیقات علمی پیشین، به تبیین و تشریح نظریه شهر عدالت‌محور و رویکرد حق به شهر با تأکید بر دیدگاه‌های نظریه پرداز هنری لوفور اقدام گردد. جهت شفاف نمودن حوزه نظری و ادبیات علمی پژوهش، از تعریف مفاهیم شهروند، حقوق شهروندی، انگاره حق به شهر، منشور جهانی حق به شهر، عدالت شهری و شهر عدالت‌محور بهره گرفته شده است. همچنین از روش‌های تحقیق پیمایشی نیز، شیوه‌های مصاحبه، پرسشنامه و واری می‌دانی بستر مطالعات میدانی را تشکیل داده است. بنابراین ابزار داده‌های اسنادی و روش‌های پیمایشی اساس اطلاعات پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند. شاخص‌های پژوهش حاضر بر مبنای رویکرد حق به شهر استخراج گردیده که به منظور تعیین سطوح مطلوبیت و سازگاری مناطق شهر ارومیه مورد بررسی قرار می‌گیرد. به دلیل حوزه مهم و تخصصی رویکرد مورد مطالعه در پژوهش حاضر و ضرورت بررسی و تدقیق اصولی وضع موجود محدوده مطالعاتی، حجم نمونه هدفمند (بهره‌گیری از میانگین نظرات و اندیشه‌های مسئولین، صاحب‌نظران و جامعه علمی) به عنوان جامعه آماری پژوهش انتخاب گردیده که تعداد ۳۰ پرسشنامه به همراه مصاحبه در جمع‌آوری داده‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. به علاوه جهت حصول اطمینان در مورد روایی و پایایی پرسشنامه، از نظرات جامعه آماری بهره‌جسته و آزمون آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۴۲ محاسبه گردیده است. در نهایت با بهره‌مندی از تکنیک‌های آنتروپی شانون (shanon entropy) و کوپراس (copras) به ترتیب جهت محاسبه وزن معیارهای پیشنهادی و رتبه‌بندی گزینه‌های پژوهش اقدام شده است تا نتایج حاصل گشته و متناسب با شرایط جامعه به ارائه پیشنهادات و راه‌حل‌ها اقدام گردد. پژوهش حاضر در صدد است تا پیشنهادات و راهکارهای ارائه شده در آن، برآمدی از نقد وضع موجود جامعه شهری ارومیه باشد تا در صورت اتکای به این پیشنهادات، زمینه‌های تحقق‌پذیری شهر عدالت‌محور از طریق ارتقای سطح کیفی و کمی شاخص‌های حق به شهر فراهم گردد.

شکل (۴): موقعیت جغرافیایی محدوده مطالعاتی



بحث و تحلیل یافته‌ها

هدف اصلی در تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر، رتبه‌بندی مناطق پنج‌گانه شهر ارومیه بر اساس شاخص‌های پیشنهادی می‌باشد. در این مرحله وزن هر یک از معیارهای مورد استفاده در تحقیق حاضر از طریق تکنیک آنتروپی شانون محاسبه شده است. همچنین به عملیات رتبه‌بندی و تعیین اولویت هر یک از مناطق مورد مطالعه از طریق مدل کوپراس پرداخته شده است که به نتایج آن اشاره شده است.

گام اول: تشکیل ماتریس وضع موجود: در این مرحله ۱۲ مورد از معیارهای پیشنهادی در هر یک از گزینه‌های مطالعاتی (تعداد ۵ منطقه از کل شهر ارومیه) مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است. ماتریس حاضر در جدول زیر، مقایسات زوجی بین گزینه‌ها و معیارها با استفاده از ابزار پرسشنامه و مصاحبه را نشان می‌دهد که داده‌های آن بر اساس نظرات گروه‌های متخصصین، صاحب‌نظران و کارشناسان شهری (حجم نمونه هدفمند) استخراج گردیده است. وزن‌دهی در این گام بر اساس مقیاس دوقطبی می‌باشد که هر یک از شاخص‌های مثبت و منفی بر اساس طیف ۹ امتیازی مورد بررسی قرار گرفته است. امتیاز ۹ در شاخص‌های مثبت، مطلوب‌ترین وضعیت و امتیاز ۹ در شاخص‌های منفی نامطلوب‌ترین وضعیت را به خود اختصاص داده است.

جدول (۳): ماتریس وضع موجود

معیار گزینه	پاسخگویی	اثر بخشی	مردمی	مشارکت فعال	برابری	انسجام اجتماعی	توانمندسازی	خدمات عمومی	تفاوت در عرضه	امنیت	مدیریت	ارتباط افراد با	تفریح و فراغت	خدمات و دسترسی به سرپناه	فضا	کنترل و مالکیت
کد	I ₁	I ₂	I ₃	I ₄	I ₅	I ₆	I ₇	I ₈	I ₉	I ₁₀	I ₁₁	I ₁₂				
شاخص	+	+	+	+	+	+	-	+	+	+	+	+	+	+	+	+
منطقه ۱	۹	۸	۶	۳	۱	۲	۳	۸	۸	۶	۸	۸	۶	۸	۹	۹
منطقه ۲	۶	۵	۸	۶	۹	۴	۶	۳	۶	۶	۶	۶	۳	۶	۶	۶
منطقه ۳	۳	۳	۶	۶	۶	۵	۴	۶	۶	۶	۶	۶	۸	۶	۶	۶
منطقه ۴	۱	۳	۴	۱	۳	۸	۳	۱	۳	۸	۱	۳	۹	۹	۹	۹
منطقه ۵	۹	۸	۳	۱	۱	۸	۴	۸	۴	۸	۸	۹	۶	۸	۹	۹
جمع	۲۸	۲۷	۲۷	۱۷	۲۰	۳۰	۱۸	۲۶	۳۷	۲۶	۳۷	۲۶	۳۷	۳۷	۳۹	۳۹

مأخذ: یافته‌های تحقیق

- گام دوم: محاسبه وزن هر یک از معیارها بر اساس تکنیک آنتروپی شانون: در این بخش، وزن هر یک از معیارهای پیشنهادی از طریق روش آنتروپی شانون در شش مرحله محاسبه می‌گردد. به نتیجه نهایی (وزن معیارها) در جدول زیر اشاره شده است.
- گام سوم: نرمالیزه کردن ماتریس تصمیم‌گیری: در این بخش هر یک از معیارهای پیشنهادی برای گزینه‌های مورد مطالعه نرمالیزه شده و ماتریس وضع موجود بی‌وزن می‌گردد.

جدول (۴): محاسبه وزن معیارها از طریق روش آنتروپی شانون

کد	معیار	نوع	E _j	d _j	W _j
I ₁	پاسخگویی	+	۰/۸۷۷	۰/۱۲۳	۰/۱۵۵
I ₂	اثر بخشی	+	۰/۹۴۴	۰/۰۵۶	۰/۰۷
I ₃	مشارکت فعال مردمی	+	۰/۹۶۵	۰/۰۳۵	۰/۰۴۴
I ₄	برابری	+	۰/۸۵	۰/۱۵	۰/۱۸۹
I ₅	انسجام اجتماعی	+	۰/۸۰۸	۰/۱۹۲	۰/۲۴۲
I ₆	توانمندسازی	+	۰/۹۶۴	۰/۰۳۶	۰/۰۴۵
I ₇	تفاوت در عرضه خدمات عمومی	-	۰/۹۹۲	۰/۰۰۸	۰/۰۱
I ₈	امنیت	+	۰/۸۹	۰/۱۱	۰/۱۳۸
I ₉	ارتباط افراد با مدیریت	+	۰/۹۸۹	۰/۰۱۱	۰/۰۱۳
I ₁₀	تفریح و فراغت	+	۰/۹۵۳	۰/۰۴۷	۰/۰۵۹
I ₁₁	دسترسی به سرپناه و خدمات	+	۰/۹۸۹	۰/۰۱۱	۰/۰۱۳
I ₁₂	کنترل و مالکیت فضا	+	۰/۹۸۶	۰/۰۱۴	۰/۰۱۷

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول (۵): نرمالیزه کردن ماتریس تصمیم‌گیری

معیار گزینه	I ₁	I ₂	I ₃	I ₄	I ₅	I ₆	I ₇	I ₈	I ₉	I ₁₀	I ₁₁	I ₁₂
منطقه ۱	۰/۰۱۹	۰/۰۰۸	۰/۰۰۴	۰/۰۰۸	۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	۰/۰۰۴	۰/۰۱۵	۰/۰۰۱	۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲
منطقه ۲	۰/۰۱۴	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۱۷	۰/۰۳۲	۰/۰۰۴	۰/۰۰۵	۰/۰۰۶	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
منطقه ۳	۰/۰۰۷	۰/۰۰۲	۰/۰۰۴	۰/۰۱۷	۰/۰۲۲	۰/۰۰۳	۰/۰۰۶	۰/۰۱۳	۰/۰۰۱	۰/۰۰۷	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
منطقه ۴	۰/۰۰۳	۰/۰۰۴	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۰۱۴	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۳
منطقه ۵	۰/۰۱۹	۰/۰۰۷	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۳	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۱۵	۰/۰۰۱	۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲

مأخذ: یافته‌های تحقیق

گام چهارم، پنجم و ششم: محاسبه مجموع وزن معیارهای نرمالیزه شده، محاسبه و تعیین ارزش نهایی گزینه‌های پیشنهادی و مشخص کردن درجه اهمیت گزینه‌ها: در گام چهارم در هر یک از گزینه‌های پیشنهادی، مجموع معیارهای مثبت (S_j^+) و منفی (S_j^-) به صورت جداگانه محاسبه می‌گردند. در گام بعدی هر یک از گزینه‌های پیشنهادی در تحقیق به صورت مقایسه‌ای مورد محاسبه قرار گرفته و رتبه‌بندی گزینه‌ها انجام می‌شود. در گام آخر نیز، اولویت‌بندی نهایی گزینه‌های پژوهش بر اساس رتبه‌بندی گام قبلی صورت می‌گیرد که وضعیت مطلوبیت و نامطلوبیت گزینه‌ها (مناطق شهری) مشخص می‌یابد.

جدول (۶): نتایج حاصل از تکنیک کوپراس

گزینه‌ها	S_j^+	S_j^-	Q_j	N_j (درصد)	اولویت‌بندی
منطقه ۱	۰/۰۶۸	۰/۰۰۰۴	۰/۰۶۸۶	۷۷/۶	۳
منطقه ۲	۰/۰۸۸	۰/۰۰۰۵	۰/۰۸۸۴	۱۰۰	۱
منطقه ۳	۰/۰۷۹	۰/۰۰۰۶	۰/۰۷۹۴	۸۹/۸۱	۲
منطقه ۴	۰/۰۴۵	۰/۰۰۰۵	۰/۰۴۵۴	۵۱/۳۵	۵
منطقه ۵	۰/۰۶۲	۰/۰۰۰۵	۰/۰۶۲۴	۷۰/۵۸	۴

مأخذ: یافته‌های تحقیق

طبق یافته‌های پژوهش، مناطق پنج‌گانه شهر ارومیه به لحاظ میزان تحقق سیاست‌های حق به شهر در برنامه‌ریزی شهری عدالت‌محور مورد ارزیابی و بررسی قرار گرفته‌اند. معیارهای ۱۲ گانه پیشنهادی موجود در پژوهش حاضر جهت اولویت‌بندی مناطق شهری ارومیه انتخاب شده است. طبق روش آنتروپی شانون و داده‌های به دست آمده از مصاحبه با متخصصین و اندیشمندان شهری، معیارهای انسجام اجتماعی، برابری، پاسخگویی و امنیت به ترتیب در بالاترین سطح اهمیت از نظر معیارهای لازم در ارزیابی محدوده مطالعاتی می‌باشند. به علاوه معیارهای اثربخشی، تفریح و فراغت، توانمندسازی و مشارکت فعال مردمی در رده‌های بعدی سطح اهمیت قرار گرفته‌اند. همچنین معیارهای کنترل و مالکیت فضا، ارتباط افراد با مدیریت، دسترسی به سرپناه و خدمات و تفاوت در عرضه خدمات عمومی در پایین‌ترین سطح اهمیت قرار گرفته‌اند. بهره‌مندی از ویژگی‌های شهر چند قومیتی سهم مهمی در تعیین اولویت معیارهای پیشنهادی پژوهش داشته است که از این لحاظ ابعاد اجتماعی بیشتر مورد توجه و تأکید قرار گرفته است.

از جمله سرمایه‌های ناملموس و حیاتی برای رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع شهری در کشورها، «انسجام اجتماعی» است. انسجام اجتماعی زمانی نمایان می‌شود که مردم فارغ از هر گروه، جناح، طایفه، رنگ و نژاد و هر سلیقه و باور و تفکری، هنگام وقوع شوک‌ها و بحران‌ها یا در زدن شانس‌ها و فرصت‌ها به راحتی بتوانند با همدیگر کار و همکاری کنند و عواید و نتایج این همکاری پرفایده نصیب همگان شود. انسجام اجتماعی یکی از مفاهیم اساسی و نیز نقطه آغاز تحلیل‌های جامعه‌شناختی است و تبیین و تحلیل آن یکی از بنیان‌های شکل‌گیری جامعه‌شناسی معاصر تلقی می‌شود. انسجام اجتماعی به چگونگی روابط بین فرد و جامعه می‌پردازد و معطوف به بررسی، تبیین، چرایی و کم‌وکیف روابط متقابل فرد و جامعه است. اهمیت انسجام اجتماعی در این است که احساس مسئولیت متقابل بین اعضای جامعه به گونه‌ای شکل می‌گیرد که در شرایطی به طور آگاهانه و همراه با اراده افراد کنشگری می‌کنند. بدین شکل، شبکه روابط اجتماعی شکل می‌گیرد که برآیند آن، حمایت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، سلامت اجتماعی و کارکرد اجتماعی است. جامعه توسعه یافته، جامعه‌ای است که خردورزی و نועدوستی در آن متبلور شده و پایه‌های رشد خود و دیگری را فراهم می‌سازد. بنابراین انسان‌ها نمی‌توانند خود را از دیگران جدا کرده و با در نظر گرفتن تنها سود و منفعت خود و نزدیکانشان، مدعی خرد و احساس در زندگی باشند. انسان خردمند نمی‌تواند، ساکت بوده و تلاشی در راستای اصلاح و بازسازی انجام ندهد، در حالیکه می‌داند دیگری در گوشه‌ای از این دنیا نیازی دارد که او می‌تواند به برآورده کردن آن و یا بخشی از آن نیاز کمک کند. در راستای این مهم است که خوشبختی معنا می‌یابد. کسی می‌تواند احساس خوشی و لذت داشته باشد که حس مفید بودن و تاثیرگذاری و به عبارتی، زندگی گسترتری را تجربه کرده باشد. باید بتوان بین منافع خود و دیگری، همچنین محیط موازنه ایجاد کرد. این تفکر باید بتواند تفکری غالب در دنیای کنونی باشد. باید رشد و توسعه دیگری به همان اندازه رشد و توسعه خود اهمیت یابد. توجه به محیط، حفظ و تقویت آن نیز باید محور برنامه‌های جوامع انسانی را شکل دهد.

بر اساس نتایج حاصل از تکنیک کوپراس، بیشترین سطح مطلوبیت مربوط به منطقه ۲ (قسمت شمال شهر) بوده است. به علاوه، به ترتیب مناطق ۳، ۱ و ۵ نیز در رده‌های بعدی اولویت‌بندی جای گرفته‌اند. در نهایت کمترین سطح آن نیز به منطقه ۴ (واقع در مرکز شهر ارومیه) اختصاص یافته است. منطقه ۲ شهر ارومیه پرجمعیت‌ترین منطقه شهر (۲۸ درصد از کل جمعیت شهری) محسوب می‌گردد. این منطقه از نظر مولفه‌های انسجام و همبستگی اجتماعی و مشارکت فعال مردمی (همگنی اجتماعی) مطلوب‌ترین وضعیت را در شهر ارومیه به خود اختصاص داده است. سکونت اقوام قدیمی شهر در این منطقه بیشتر به چشم می‌خورد که همواره با پابندی به هویت و ارزش‌های بومی، قدیمی و سنتی، سطح انسجام و همبستگی اجتماعی را در منطقه مطالعاتی در بالاترین سطح خود حفظ نموده‌اند. به علاوه منطقه ۴ شهر ارومیه نیز به واسطه برخورداری از ویژگی مرکزیت تجاری شهر با پایین‌ترین سطح سکونت، نامطلوب‌ترین وضعیت را در میان سایر مناطق داشته است. وجود حجم تردد و عبور و مرور بسیار سنگین و حضورپذیری مردم ساکن در شهر و مسافری در این منطقه در راستای رفع نیازهای خدماتی و روزانه، همواره سهم بسیار موثری را در این وزن‌دهی داشته است.

جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات

در طی سال‌های اخیر مفهوم حق به شهر و دیدگاه عدالت شهری به عنوان مهم‌ترین مباحث در حوزه حقوق شهروندی و برنامه‌ریزی شهری بوده که در سطوح ملی، بین‌المللی، گردهمایی‌ها و محافل مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بدان پرداخته شده است. علی‌رغم اینکه از ارائه مفهوم حق به شهر از دیدگاه هنری لوفور سالیان زیادی می‌گذرد، ولی این مفهوم در برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت جوامع شهری ایران هنوز به صورت جدی تبیین و تشریح نگردیده است. طبق بررسی و مطالعه مبانی و چارچوب نظری موجود پیرامون اندیشه "حق به شهر"، می‌توان به این نتیجه رسید که شهرها به تمام شهروندانی که در آن زندگی می‌کنند تعلق دارد. انسان‌ها صرف‌نظر از هرگونه ویژگی‌های خاص محیطی و جغرافیایی و ذاتی، شایسته بهره‌مندی از این حق در راستای

دستیابی به بالاترین سطح کیفیت زندگی شهری می‌باشند. امروزه با توجه به افزایش جمعیت و گسترش وسیع شهرنشینی، فضاها و عملکردهای عمومی شهری بیشتر مورد توجه و اهمیت مردم و برنامه‌ریزان قرار گرفته است. امروزه مفهوم حق به شهر با مطالبه‌گری و حق خواهی در بسترهای زندگی شهری به خوانشی بنیادین جهت دستیابی به برنامه‌ریزی شهری بر مبنای عدالت تبدیل گردیده است. این مفهوم جدالی موثر در توانا ساختن تمامی شهروندان شهر در برخورداری از امکانات، تسهیلات و مزایای زندگی شهری، باز یکپارچه‌سازی فضاهای عمومی شهری و بازساخت شهری قابل زیست و پایدار به حساب می‌آید. دیدگاه حق به شهر در بیانی کلی، ابزاری مناسب جهت جلوگیری از کالایی شدن فضاهای شهری و شهر، تصاحب منافع برخاسته از شهر میان شهروندان، افزایش مشارکت و ایجاد تغییرات در شهر جهت تامین نیازهای زندگی شهری، مرتفع ساختن شهروندمداری و دستیابی به جامعه مدنی مستحکم با قوانین و ضوابط عادلانه شهری محسوب می‌گردد. فضاهای عمومی شهری نقش مهمی را در دیدگاه حق به شهر ایفا می‌نمایند. این فضاها نمایانگر میزان تحقق شاخص‌های حق به شهر در برنامه‌ریزی شهری می‌باشد. هرچه میزان تخصیص، دسترسی و تملک به این فضاها در سطح مطلوبی باشد، تحقق‌پذیری مولفه‌های حق به شهر به روند مناسبی دست یافته است. بنابراین فرآیند برنامه‌ریزی شهری در ایران بایستی به نحوه تحقق دیدگاه حق به شهر و ارتقای سطح مطلوبیت مولفه‌های آن در فضاهای عمومی شهری بیانید تا از این راه شهرها را از زوال و بیگانگی اجتماعی-فضائی در زندگی روزمره خود برهاند.

در پژوهش حاضر سعی بر این بود تا با تحلیل و واکاوی انگاره‌های حق به شهر، عدالت شهر و شهرسازی عدالت‌محور، اندیشه‌های نظریه‌پردازان حوزه‌های مختلف (با تاکید بر دیدگاه هنری لوفور) مورد بررسی قرار گیرد تا جایگاه این مفاهیم در جوامع شهری و روند برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای شهری روشن گردد. هدف این پژوهش کاربردی-توسعه‌ای و روش آن توصیفی-تحلیلی بوده و روش‌های گردآوری اطلاعات در این تحقیق نیز اسنادی-کتابخانه‌ای و میدانی می‌باشد. به دلیل حوزه تخصصی پژوهش حاضر از منظر چارچوب علمی، حجم نمونه هدفمند (بهره‌گیری از نظرات ۳۰ نفر از اساتید، پژوهشگران، متخصصین و اندیشمندان خبره برخوردار از تسلط کامل بر مبانی علمی و شرایط محدوده مورد مطالعه) به عنوان جامعه آماری انتخاب گردیده است. با بهره‌گیری از ابزارهای تحلیل کیفی و کمی از قبیل روش‌های مشاهده، مصاحبه و تکنیک‌های آنتروپی شانون (جهت وزن‌دهی و تعیین درجه اهمیت هر یک از معیارهای پیشنهادی) و کوپراس (جهت رتبه‌بندی و اولویت‌بندی گزینه‌های پیشنهادی) به تجزیه و تحلیل پژوهش پرداخته شده است. همچنین تعداد ۱۲ معیار به عنوان مولفه‌های اصلی تحقیق جهت تعیین وضع موجود محدوده مطالعاتی و تکمیل فرآیند مصاحبه از طریق پرسشنامه انتخاب شده است. مناطق پنج‌گانه شهر ارومیه محور مطالعاتی پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد که با بررسی میزان تحقق‌پذیری مولفه‌های حق به شهر در این محدوده‌ها، به رتبه‌بندی و تعیین اولویت هر یک از مناطق شهر ارومیه از لحاظ دستیابی به برنامه‌ریزی شهری عدالت‌محور اقدام شده است.

نتایج حاصل از پژوهش بیانگر این است که طبق نتایج روش آنتروپی شانون حاصل از تشکیل ماتریس تصمیم‌گیری از طریق مصاحبه، مولفه "انسجام اجتماعی" با وزن ۰/۲۴۲ و مولفه "تفاوت در عرضه خدمات عمومی" با وزن ۰/۰۱ به ترتیب بیشترین و کمترین سطح اهمیت را از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان به خود اختصاص داده‌اند.

در پژوهش حاضر معیار بررسی و تحلیل تطبیقی مناطق شهری، معیارهای پیشنهادی می‌باشد که در حوزه میدانی مولفه‌های سطح انسجام اجتماعی، میزان مشارکت فعال مردمی، سطح امنیت، میزان ارتباط افراد با مدیریت و... و در حوزه آماری مولفه‌های برابری، دسترسی به سرپناه و خدمات، تفاوت در عرضه خدمات عمومی و... را شامل می‌گردد که در جدول زیر میزان برخورداری هر یک از مناطق شهری از عملکردهای شهری (سهم مناطق از کل شهر ارومیه) بر اساس سطح اراضی خالص شهری محاسبه شده است.

جدول (۷): سهم مناطق شهری از کاربری‌های کل شهر ارومیه

ردیف	کاربری	شهر ارومیه				
		منطقه ۱	منطقه ۲	منطقه ۳	منطقه ۴	منطقه ۵
		درصد				
۱	مسکونی	۲۴/۹۷	۲۲/۵	۲۳/۹۲	۱۷/۱۸	۱۱/۴۲
۲	آموزش، تحقیقات و فناوری	۵/۵۴	۶۲/۹۷	۵/۴۸	۹	۱۷
۳	آموزشی	۱۳/۳۳	۳۲/۸۴	۱۳/۶	۲۳/۴۳	۱۶/۸
۴	اداری-انتظامی	۳/۳۲	۴۱/۵۸	۳/۳۶	۹/۱۱	۴۲/۶۲
۵	تجاری-خدماتی	۱۴/۰۲	۲۶/۸۸	۱۴/۲۵	۳۵/۶	۹/۲۵
۶	ورزشی	۱۰/۴۵	۴۳/۶۸	۱۴/۳	۸/۹۲	۲۲/۶۴
۷	درمانی	۲۵/۷	۱۹/۷۹	۶/۶۲	۱۳/۷	۳۴/۱۸
۸	فرهنگی-هنری	۱۲/۹۴	۶۶/۵۵	۱/۴۷	۶/۶۴	۱۲/۳۹
۹	پارک و فضای سبز	۵۳/۳	۱۲/۲۱	۱۶/۹۵	۸	۹/۵۳
۱۰	مذهبی	۶/۴۵	۲۳/۳۵	۱۴/۳۸	۴۸/۹۴	۶/۸۷
۱۱	تاسیسات شهری	۷/۸۷	۳۴/۹۵	۲۳/۱۷	۳/۱۲	۳۰/۸۸
۱۲	تجهیزات شهری	۷/۹	۶۲/۱۱	۳/۲۵	۲۵/۳۸	۱/۳۵
۱۳	میراث تاریخی	۰	۲۶/۷۷	۰	۶۶/۷۵	۶/۴۸
۱۴	نظامی	۰	۰/۲	۰	۰	۹۹/۸
۱۵	صنعتی	۰	۸۸/۴۵	۲/۵۹	۷/۴۵	۱/۵
۱۶	تفریحی و توریستی	۲۵/۵۶	۰	۰	۳۹/۵۵	۳۴/۸۸
۱۷	حمل و نقل و انبارداری	۲۴/۰۴	۲۸/۰۸	۲۲/۴۹	۱۵/۳۶	۱۰/۰۲
۱۸	تجاری-اداری-خدماتی	۱/۴۹	۵۵/۶۴	۰	۲۷/۸۳	۱۵/۰۳
۱۹	مسکونی-کارگاهی	۲۷/۹۸	۲۶/۳۱	۱۹/۴۲	۲۳/۱۴	۳/۱۴
۲۰	تجاری-کارگاهی	۰/۹۶	۳۲/۵۲	۵/۸۶	۵۶/۱۵	۴/۵
۲۱	جمع اراضی خالص شهری	۲۳/۱۵	۲۶/۷۵	۲۱/۰۹	۱۶/۷۹	۱۲/۲۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بر اساس داده‌های موجود، در نحوه توزیع برخی خدمات و عملکردهای شهری تفاوت اساسی وجود دارد، که این روال نشان‌دهنده عدم وجود برابری میان سکونتگاه‌های شهری است. مولفه‌های تفاوت در عرضه خدمات عمومی، دسترسی به سرپناه و خدمات، برابری، تفریح و فراغت و کنترل و مالکیت فضا بر این امر دلالت دارد. طبق محاسبات جدول فوق، تخصیص و توزیع عمده کاربری‌های تجاری-خدماتی شهر با میزان بیش از ۳۵ درصد در منطقه ۴ (قطب تجاری شهری) شهر ارومیه قرار داشته است. بیش از ۵۳ درصد از عملکردهای پارک و فضای سبز در منطقه ۱ شهر ارومیه قرار داشته است که این میزان از سطح توزیع نشان‌دهنده وجود توسعه‌یافتگی نامتعادل در شهر ارومیه می‌باشد. بیش از ۴۲ درصد از کاربری‌های اداری-انتظامی شهر ارومیه در منطقه ۵ شهر واقع گردیده است. همچنین در عملکردهای درمانی نیز بیش از ۳۴ درصد این کاربری در بین فضاهای شهری منطقه ۵ شهر ارومیه توزیع گردیده است. این میزان از سطح توزیع خدمات و عملکردهای شهری نشان‌دهنده تخصیص و توزیع نامتوازن و نامتعارف و عدم پایبندی به اصول برنامه‌ریزی شهری عادلانه می‌باشد که طبق حوزه علمی مورد بررسی در پژوهش حاضر، بخش وسیعی از مولفه‌های رویکرد حق به شهر را به وضعیتی نامطلوب سوق می‌دهد.

بر اساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش در تکنیک کوپراس، منطقه ۲ شهر ارومیه با درجه اهمیت ۱۰۰ درصد مطلوب‌ترین وضع موجود در شهر را به خود اختصاص داده است. همچنین منطقه ۴ شهر ارومیه واقع در بخش مرکزی شهر با درجه اهمیت ۵۱/۳۵ درصد در نامطلوب‌ترین وضع موجود نسبت به سایر مناطق شهر قرار گرفته است.

در نهایت جهت بهبود وضع موجود و نیل به شرایطی بهتر از لحاظ تحقق‌پذیری شهرسازی عدالت‌محور و توجه به اهمیت مفهوم حق به شهر در فرآیند برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت شهری، به ارائه پیشنهادهای حول هدف و یافته‌های تحلیل پژوهش پرداخته می‌شود.

- تاکید بر عدم تبعیض و توسعه خدمات و عملکردهای آموزشی، بهداشتی-درمانی و پارک و فضای سبز در نواحی محروم (با اولویت بخش مرکزی در مناطق ۳ و ۴ شهر ارومیه)

- تامین مسکن و کار برای نواحی نامطلوب شهر (بافت مرکزی شهر) و تاکید بر حفاظت از محیط زیست و دسترسی همه ساکنین شهر به عملکردهای شهری

- در نظر گرفتن عامل شعاع دسترسی شهروندان به خدمات و امکانات شهری جهت تسهیل دسترسی خصوصاً در منطقه ۵ به عنوان محدوده‌ای تازه توسعه یافته در شهر ارومیه

- ایجاد نهادهای نظارتی از سوی مراجع رسمی جهت بهره‌گیری از رویکردهای مشارکتی در سطح جوامع شهری (اعطای نقش قانونی به شهروندان و ساکنین شهری و سازمان‌های مردم‌نهاد)

- شناسایی کامل الگوهای رفتاری شهروندان در مواجهه با مسائل و مشکلات موجود در شهر جهت بازدهی بالا در پیاده‌سازی طرح‌های از پیش اندیشیده شده علی‌الخصوص در مناطق پرتردد شهر با حضورپذیری گسترده شهروندان از اقشار مختلف

- تأکید و توجه بر معیارهای انسانی در تخصیص، توزیع و مدیریت عملکردهای شهری (تخصیص فضا با رویکرد شهروندی) در مناطق در حال توسعه از جمله ۱ و ۳ در محدوده‌های رودکی، شهرک بهداری، شهرک فرهنگیان و...

- استفاده از زمین‌های بایر موجود در فضاهای شهری جهت تامین کمبودها و ارتقای سطح کمی و کیفی خدمات شهری در محدوده‌های شهرک اندیشه، فدک، ستارخان و...

- تاکید بر افزایش رضایت شهروندان در مولفه‌های سرزندگی شهری و شمولیت اجتماعی

- افزایش آگاهی شهروندان نسبت به مسائل حقوق شهروندی و مدیریت شهری از طریق برگزاری سمینارها و کارگاه‌های آموزشی

- بهره‌گیری کامل از مشارکت شهروندان در مولفه حکمروایی شهری و به کارگیری سیاست‌های آنان در نظام حاکمیت و تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی مسئولان جهت ایجاد تغییرات هدفمند شهری

- حمایت از بخش خصوصی و الزام آن به حضور در فرآیند توسعه شهری

- تاکید بر افزایش تعاملات اجتماعی، ارتقای همزیستی چندفرهنگی، افزایش صلح و دوستی و ارتقای سطح امنیت از طریق بهبود کیفیت فضاهای عمومی شهری در منطقه ۳ شهر ارومیه به عنوان محدوده‌ای برخوردار از اسکان اقوام مختلف شهر

- تأکید بر وجود شفافیت میان ارکان اصلی برنامه‌ریزی شهری (دولت، مردم و برنامه‌ریزان)

- تقویت یکپارچگی، همبستگی و انسجام فرهنگی و قومی با ایجاد برنامه‌ها و طرح‌های فرهنگی متناسب در مناطق و بافت‌های

مرکزی شهر (منطقه ۴ شهر ارومیه با تأکید بر محدوده‌های امام، خیام، عطایی و...)

- و حضور فعال مردم در تهیه، نظارت و اجرای قوانین و طرح‌های توسعه شهری

در پایان لازم است تاکید گردد که مفهوم "حق به شهر" تنها به عنوان یک پارادایم پژوهشی نیست که در قالب تحقیقات علمی در سطح جامعه به آن پرداخته شود، بلکه بایستی این مفهوم به مثابه یک قطب نما در عمل و کنشگری سیاست ورزانه جهت ارتقای سطح کیفیت زندگی و دستیابی به شهری پایدار و قابل زیست مدنظر قرار گیرد.

منابع

۱. بمانیان، محمدرضا؛ تقوایی، علی اکبر؛ بهرام پور، مهدی (۱۳۹۳). تبیین رویکرد نظریه شهر عدالت محور در نظام مدیریت شهری با تاکید بر طرح های توسعه شهری. مدیریت شهری. ۱۳ (۲۷)، ۲۵۶-۲۳۱.
۲. پوراحمد، احمد و دیگران (۱۳۹۳). بررسی و ارزیابی کاربری اراضی شهر از منظر عدالت اجتماعی (مورد مطالعه: کاشان). آمایش سرزمین. ۶ (۲)، ۱۷۹-۲۰۸.
۳. حبیبی، سیدمحسن؛ امیری، مریم (۱۳۹۴). حق به شهر؛ شهر موجود و شهر مطلوب (آنچه هست و آنچه باید باشد). پژوهش های انسان شناسی ایران. ۵ (۲)، ۳۰-۹.
۴. حیدری، فردین؛ زارعی، مجید (۱۳۹۸). مفهوم حق به شهر و ارتباط آن با طراحی شهری شهروندمدار (تطبیق هنجارهای جامع بیان گر شهروندمداری، با شاخص های کیفی طراحی شهری). مجله منظر. ۱۱ (۴۶)، ۲۳-۱۴.
۵. رفیعیان، مجتبی؛ الوندی پور، نینا (۱۳۹۵). مفهوم پردازی اندیشه حق به شهر؛ در جستجوی مدلی مفهومی. مجله جامعه شناسی ایران. ۱۶ (۲)، ۴۷-۲۵.
۶. سعیدنیا، احمد (۱۳۸۲). شهرسازی، کتاب سبز شهرداری ها. جلد اول. تهران: انتشارات سازمان شهرداری ها، وزارت کشور.
۷. سعیدی رضوانی، هادی (۱۳۹۱). تبیین مفهوم و شاخص سازی شهر عدالت محور؛ نمونه ارزیابی شهر تهران. رساله مقطع دکتری. دانشکده هنرهای زیبا. دانشگاه تهران، تهران.
۸. سرشماری عمومی نفوس و مسکن ایران. (۱۳۹۵). خلاصه آمار جمعیتی ایران و استان آذربایجان غربی. تهران: مرکز آمار ایران.
۹. شارع پور، محمود (۱۳۹۴). حق به شهر و فضاهای عمومی شهری. فصلنامه تخصصی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری. ۲ (۲)، ۵۲-۶۶.
۱۰. محمدی، محمود؛ چنگلوی، یونس (۱۳۹۲). ارزیابی مؤلفه های کیفیت فضای شهری بر میزان مطلوبیت مسیرهای پیاده گردشگری (مورد پژوهشی اولویت بندی مسیرهای گردشگری پیاده در شهر اصفهان). معماری و شهرسازی ایران. ۴ (۵)، ۳۲-۱۵.
۱۱. معروفی، حسین؛ وحیدی برجی، گلдіس (۱۳۹۴). فضا و تحقق پذیری حق شهری: شناسایی مؤلفه های فضایی برآمده از حق شهری به منظور تحلیل و ارزیابی پروژه نواب در تهران و لادفانس در پاریس. مطالعات شهری. ۴ (۱۶)، ۱۴-۵.
۱۲. هاروی، دیوید؛ مری فیلد، اندی (۱۳۹۲). حق به شهر: ریشه های شهری بحران های مالی. ترجمه خسرو کلانتری. تهران: انتشارات مهر ویستا.
۱۳. یغفوری، حسین؛ کاشفی دوست، دیمن (۱۳۹۷). ارزیابی و سنجش مؤلفه های برآمده از حق به شهر (نمونه موردی: شهر پیرانشهر). فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی شهری. ۹ (۳۵)، ۶۸-۵۷.
14. Brenner, N.; Marcuse, P. & Mayer, M. (2012). *Cities for People not for Profit: Critical Urban Theory and the Right to the City*. London & New York: Taylor & Francis Group.
15. Campbell, H. (2006). Just planning: The art of situated ethical judgment. *Journal of Planning Education and Research*. 26 (1), 92-106.
16. Fainstein, S. (1997). *Justice, Politics and the Creation of Urban Space. In the Urbanization of Injustice*. Merrifield, A., Swyngedouw, E. (Ed.) . New York: New York University Press.
17. Fainstein, S. (1999). Can we Make the Cities We Want? In the Urban Moment. *The Urban Moment*. Thousand Oaks: Sage. 249-272.
18. Fainstein, S. (2000). New directions in planning theory. *Urban Affairs Review*. 35 (4), 451-478.

19. Fainstein, S. (2003). *New Directions in Planning Theory*. Fainstein, S. and Campbell, S. (ed.). *Reading in Urban Theory*. Malden and Oxford: Blackwell.
20. Fainstein, S. (2006). Planning and the just city. *Conference on Searching for the Just City, GSAPP*. Columbia University.
21. Fainstein, S. (2010). *The Just City*. Ithaca and London: Cornell University Press.
22. Harvey, D. (2002). *Social Justice, Postmodernism and the City*. S. Fainstein and S. Campbell (ed.). Malden and Oxford: Reading in Urban Theory, Blackwell.
23. Kofman, E. & Lebas, E. (1996). *Writings on Cities*. Oxford: Blackwell Publishing.
24. Lefebvre, H. (2009). *State, Space, World: Selected Essays*. N. Brenner, S. Elden, Eds., G. Moore, N. Brenner (Trans.). Minneapolis: University of Minnesota Press.
25. Lefebvre, H. (1968). *Le Droit 'a la Ville (The Right to the City)*. Anthropos: Paris.
26. Mitchell, D. (2003). *The Right to the City: Social Justice and the Fight for Public Space*. New York: The Guilford Press.
27. Purcell, M. (2013). *Recapturing Democracy*. New York: Routledge.
28. Purcell, M. & Shannon K, T. (2015). Cultivating food as a right to the city. *Local Environment, International Journal of Justice and Sustainability*. 20 (10), 1132-1142.
29. Rawls, J. (1971). *A Theory of Justice*. Cambridge: Harvard University Press.
30. Rawls, J. (2001). *Justice as Fairness; A Restatement*. London: Harvard University Press.
31. Safier, M. (2006). *Securing the Right to the City: The Case for Civic Cosmopolitanism*. Paris: UNESCO UN-HABITAT ISS.
32. Savdercock, L. (2003). *Cosmopolis II: Mongrel Cities in the 21st century*. London: Continuum.
33. Varady, D.P. (2011). Searching for the just city: Debates in urban theory and practice, Edited by Peter Marcuse, James Connolly, Johannes Novy, Ingrid Olivo, Cuz Potter, and Justin Steil. *Journal of Regional Science*. 51 (1), 208-210.

نحوه ارجاع به مقاله:

بخشی گرمی، مرتضی؛ ساکت حسنلوئی، میثم؛ قنبری، عاطفه؛ حیدری فنونی، مریم (۱۴۰۲)، اندیشه حق به شهر؛ تحولی مفهومی و بنیادین در مبارزات شهری برای زندگی خوب شهری مطالعه موردی: تحلیل تطبیقی مناطق پنج‌گانه شهر ارومیه، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، ۱۲ (۴۷)، ۱۳۰-۱۵۱،
Dor: 20.1001.1.20087845.1402.12.47.8.4

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Geography and Environmental Studies. This is an open – access article distributed under the terms the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work properly cited.



of
is